

طرح موضوع "نفس" در روانشناسی اسلامی: مفهوم نفس حافظ کلیت و یکپارچگی روانشناختی در انسان

دکتر ایوب مالک

فرخ کوکبه

در بحث از روانشناسی اسلامی دو دیدگاه عمده می‌تواند مطرح باشد، ممکن است منظور از روانشناسی اسلامی، دیدگاه‌های اسلام بطور کلی در مورد روان انسان، شامل جنبه‌های مذهبی، فلسفی و عرفانی روان انسان باشد ولی در دیدگاه دوم منظور از روانشناسی اسلامی، پی‌ریزی مکتبی علمی (براساس روش علمی و متأثر از آن) بر مبنای دیدگاه‌های اسلام در روانشناسی انسان می‌باشد. دیدگاه اول دیدگاهی وسیع و آمیخته با نگرش فلسفی به انسان است که ابعاد تجربی را هم می‌تواند دربرگیرد اما دیدگاه دوم صرفاً در تلاش برای قابل فهم کردن مفاهیم فلسفی و مذهبی نگرش اسلامی در قالب‌های روش‌شناختی علمی است. براساس دیدگاه اول می‌توان از روح به عنوان بعد غیر مادی در روانشناسی انسان سخن گفت اما دیدگاه دوم پذیرای چنین مفهومی نیست. براساس دیدگاه دوم است که نحوه بیان و ارائه روانشناسی اسلامی موضوعیت و اهمیت پیدا می‌کند و نیازمند تلاش برای یافتن زبانی مشترک میان روانشناسی اسلامی و مکاتب روانشناسی بشری می‌باشد. اما مشکل عمده‌ای که این دیدگاه دارد این است که نمی‌تواند

هر مفهومی را که در ارتباط با روان انسان است و در متن تعالیم دینی اسلام وجود دارد بصورت خام و اولیه وارد نقطه نظرات خود نماید بلکه بایستی دست به انتخاب بزند ولی در این انتخاب که (عمدتاً تحت تأثیر متدولوژی علمی قرار دارد) ممکن است جامعیت خود را چنان از دست بدهد که قادر به توضیح و تفسیر پدیده‌های روانی متنوع انسانی نشود. با توجه به اهمیت دیدگاه دوم برای برطرف کردن مشکلات آن به نظر می‌رسد طرح موضوع در روانشناسی اسلامی امری کلیدی به شمار می‌رود.

طرح موضوع نفس مبتنی بر شیوه نگرش کل‌گرایانه در مورد انسان در حوزه علم روانشناسی می‌باشد که در مقابل نگرش تحلیلی و یا کاهش‌گرایانه (و نه در تضاد با آن) قرار دارد. موضوع وحدت و یکپارچگی رفتارها در انسان و اینکه انسان کلی سازمان یافته است که به شکلی هدفدار رفتار می‌نماید نیاز به بررسی‌های کل‌نگرانه را در برابر بررسی‌های کاهش‌گرایانه به خوبی به اثبات می‌رساند. مفهوم "خود یا خویشتن" (self) در حوزه علم روانشناسی به عنوان عامل اساسی وحدت رفتار انسان معرفی گردیده و برای بیان جنبه‌های سازمان یافته و یکپارچه کنش شخصیت بکار رفته است. پروین (Parvin) معتقد است هر نظریه‌پرداز در غیاب مفهوم "خویشتن" ناچار است مفهوم دیگری را بیوراند که جنبه‌های یکپارچه کنش انسان را بیان کند.

مروری بر مفاهیم اسلامی و قرآنی نشان می‌دهد که مفهوم نفس عام و فراگیری است که بر تمام وجود و ابعاد انسان دلالت دارد و می‌توان این واژه را بیانگر کلیت و وحدت رفتار انسان در روانشناسی اسلامی پیشنهاد نمود. این مفهوم جامع اصطلاحات و مفاهیم متنوعی است که با تعاریف

مختلف اما مکمل در حوزه علم روانشناسی در زمینه توجه به کلیت و یکپارچگی رفتارهای انسان مطرح می‌باشند.

در نحوه معرفی «مفهوم نفس» در روانشناسی اسلامی نکات زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱ - مفهوم نفس را نباید از نظر موارد کاربرد و استعمال معادل با مفهوم روح دانست. دو واژه روح و نفس در قرآن کریم به شکل متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته و می‌توان دلالت‌هایی بر کاربردهای متفاوت این دو اصطلاح در حوزه علم روانشناسی از آن استنباط کرد.

حکما و دانشمندان اسلامی نیز در سده‌های گذشته در قلمرو مباحث روانشناختی «مفهوم نفس» را مطرح نموده و در تعریف نفس، وجهه تعلق به بدن و تدبیر و تصرف در بدن را مدنظر قرار داده‌اند تا جائیکه بحث و نظر در نفس را از علوم طبیعی دانسته‌اند. صدرالمألهین شیرازی فراتر از این، تعلق به ماده را جزء ماهیت و حقیقت نفس دانسته و صرفاً عنوان تعلق و تدبیر و تصرف در بدن را برای نفس یک معنی و مفهوم اضافی و ارتباطی نمی‌داند.

۲ - پیشنهاد مفهوم نفس در طرح روانشناسی اسلامی به معنای آن نیست که موضوع مورد مطالعه روانشناسی اسلامی نفس انسان است که جامع‌تر از مفهوم خویشتن (self) برای بیان جنبه‌های یکپارچه کنش انسان ارائه می‌گردد و اگر چه مبتنی بر دیدگاهی کل نگر می‌باشد اما برخورد با آن برخوردی تجربی خواهد بود. تبعیت از چنین دیدگاهی به مفهوم کنار گذاشتن مطالعات تحلیلی و جزءنگر در روانشناسی اسلامی نخواهد بود.

۳ - مشخص‌ترین تظاهر نفس انسانی از نظر روانشناختی «من» انسان است که به شکل احساس شخص از خود تعبیر می‌شود. آگاهی از وجود

و فعالیت خود، آگاهی از وحدت وجود خود در هر زمان، آگاهی از تداوم هویت در طول یک دوره زمانی و آگاهی از جدا بودن از محیط، وجوه مختلف احساس شخص از خود را تشکیل می‌دهند که حالت‌های پاتولوژیک آنها در روانپزشکی و روانشناسی بالینی مورد توجه قرار گرفته است.

۴ - مفهوم نفس در روانشناسی اسلامی تنها شامل جنبه‌های آگاهانه احساس شخص از خود نمی‌باشد بلکه نفس به عنوان عامل وحدت بخش رفتارها و عناصر و عملکردهای روانی انسان از همان دوران جنینی که انسان صاحب حیات روانی می‌شود وجود داشته و فعال است. ولی این فعالیت در سطحی ناخودآگاه ادامه دارد.

۵ - مفاهیمی نظیر "اراده"، "عاطفه" (به مفهوم توجه به غیر) و کمال‌پذیری انسان از جمله اساسی‌ترین مفاهیم روان‌شناختی هستند که تنها پس از قبول مفهوم نفس در روانشناسی انسان قابل طرح بوده و در صورت عدم توجه به آنها، بحث و بررسی در مورد انسان از نظر روانشناسی اسلامی بحثی ناقص و نیمه تمام خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی